

# ملا با سبک

جری بیچکا

(ترجمه همرداد رهبری)

## نثر دری افغانستان<sup>۱</sup>

سی قسه. به کوشش علی رضوی غزنوی. انتشارات بنیاد ایران.  
تهران، ۱۳۵۷، ۳۵۴ صفحه.

محقق افغانی علی رضوی کتابی شامل سی داستان کوتاه از نویسندگان افغانی را به زبان دری در تهران منتشر ساخته است. هدف از انجام اینکار آشنا ساختن خوانندگان ایرانی با سبک نویسندگی و نثرنویسی در کشور افغانستان می باشد. با این حال این تکه های نثر یک خط معین از خصوصیات این زبان بخصوص در سبک و موضوع در طول چند دهه اخیر را نشان می دهد. اغلب این داستان های کوتاه خصوصیتی آموزشی دارند و بشدت موضوعاتی انتقادی اجتماعی از وقایع یا حوادث منفی در جامعه افغانستان را در طول سال های گذشته دربر می گیرند. این مجموعه بر این مدعا گواهی است که نثر نویسندگان افغانی در حال کسب تجربه می باشند. اسدالله حبیب<sup>۲</sup> دبیر اتحادیه نویسندگان و شاعران افغانی که خود نیز شاعر و نویسنده قابل می باشد در مصاحبه ای با یک روزنامه چک در سال ۱۹۸۲ اظهار داشت «هنوز زمان برای خلق یک شاهکار بزرگ در داستانهای کوتاه و در ادبیات فرانسویده است و همچنین ادبیات نیز آمادگی پذیرش آنها ندارد. داستانهای کوتاه در کشور ما هنوز شکلی بخود نگرفته است و تا حد زیادی تحت تاثیر افسانه ها و قصه های کهن باقی مانده است.»<sup>۳</sup> با اینهمه علیرغم فقدان کیفیت و حالت خالص ادبی شکی نیست که داستانهای کوتاه بطور مسئولانه و آگاهانه تا حد قابل ملاحظه ای در ایفای نقش خود موفق بوده اند و البته از نظر تاریخی نیز مورد تصدیق می باشد. تعداد زیادی از داستانهای کوتاه در مجلات و روزنامه ها منتشر شده اند. حتی چند مجموعه نیز از این آثار در کابل بچاپ رسیده است.<sup>۴</sup> نثرهای ادبی افغانستان بشدت از این سرزمین فراتر رفته اند. با اینهمه چند مجموعه ترجمه شده به زبان روسی<sup>۵</sup> و یک گلچین ادبی بزرگ نیز به آلمانی موجود می باشد.<sup>۶</sup>

در صفحات ۲۴۱ تا ۲۵۱ این کتاب با ذکر حدود چهارصد مورد از لغات و جملات به بیان تفاوت های موجود از نظر تلفظ و انشاء فارسی ایرانی و دری افغانی در این

بیست و یک داستان مبادرت شده است. این تفاوتها همچنین در لغت‌نامه دری - روسی که بتازگی در مسکو به چاپ رسیده ذکر گردیده است.<sup>۷</sup>

برداشت نویسنده حاکی از این مطلب است که تأثیر قابل ملاحظه‌ای از زبان فارسی در بین مردم و نویسندگان بسیاری از نواحی از قبیل تاجیکستان، افغانستان، شبه‌قاره هند و همچنین ایران... به جای مانده است، ضمناً تأسف خود را از بیگانگی و غربت موجود بین این اقوام در فهمیدن زبان یکدیگر ابراز می‌دارد. بطور مثال یک «فارسی‌گوی کشمیری» از نوشته‌ها و سبک‌های نویسندگی در تاجیکستان و یا یک «دری زبان کابلی» در مورد شعرای لاهور... بی‌اطلاع می‌باشد.

به مقدمه مفصل این کتاب (صفحه ۹ تا ۶۲) توجه کافی باید مبذول داشت. نویسنده نظر خود را به تاریخ نثرنویسی در زبان فارسی دری معطوف داشته و به عنوان قدیمیترین نوشته به مقدمه‌ای که بر کتاب شاهنامه فردوسی نوشته شده اشاره می‌کند. و پس از آن به تاریخ بلعنی همچنین به نوشته‌های باارزشی از نویسندگان بخارا، هرات، بلخ و غزنه و بالاخره از زین‌الدین واصفی و چند نویسنده دیگر یاد میکند. در مروری بر تحولات قرن نوزدهم نویسنده جزئیاتی در مورد تأسیس روزنامه شمس - النهار و همچنین یک مرکز چاپ ذکر می‌کند. و به عنوان یک نظریه ناخوش آیند به موفقیت‌های حاصله در دوران سلطنت امیر عبدالرحمن می‌پردازد. نویسنده پس از مروری بر چند کتاب چاپ شده در اواخر قرن به این مطلب اشاره میکند که در طول حکومت امیر حبیب‌الله خان (۱۹۱۹-۱۹۰۱) بیست و نه کتاب طبع گردیده است. همچنین قسمت کافی به معرفی سبک محمود طرزی که مقالات وی بخصوص در «سراج‌الاخبار افغانیه» در اوائل قرن بیستم راه‌گشای روزنامه‌نگاری افغانی و همچنین تولد نثرنویسی رئالیستی در زبان افغانستان بود اختصاص داده شده است. این مقاله بود که بسیاری از روشنفکران از جمله مولوی عبدالرئوف، عبدالرحیم لودی و عبدالله پریشان‌داوی... را به تقلید و ادامه راه وی تشویق و ترغیب نمود. حتی در این بخش مقدمه نمونه‌هایی از نثرنویسی در آغاز قرن حاضر توسط لودی و همچنین شواهدی از لحن انتقادی در سراج‌الاخبار بخصوص در مورد «سیاه‌چاه» که زندان‌های مشهوری در افغانستان می‌باشند (صفحات ۳۹ و ۴۰) آورده شده است. رضوی با آوردن مقاله‌ای از طرزی در مورد زبان دری احترام و علاقه خود را به عقاید و کارهای این مرد شهیر که «پدر نثر امروز افغانستان» لقب گرفته است ابراز می‌دارد. در این مقاله چند قرن اهمیت زبان دری در ادبیات و همچنین مقام آن به عنوان یک زبان رسمی «از گنگ تا استانبول» مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نویسنده به بیان رابطه بین زبان دری و پشتو می‌پردازد. در این مقدمه همچنین مقاله‌ای از اوحدالدین انیس که از پیروان طرزی می‌باشد، در باب داستانهای کوتاه آورده شده است. نویسنده بر این نکته تأکید میکند که داستان کوتاه صرفاً برای نصیحت و اندرز (پند و عبرت) نمی‌باشد بلکه پیغامی برای زندگی است. رضوی سپس به ذکر پیشرفت‌های حاصله در زمینه روزنامه‌نگاری در دوران کوتاه امان‌الله و همچنین نقش پر اهمیت انجمن ادبی (تأسیس ۱۳۱۰/۱۹۳۱) و انجمن تاریخ

(۱۹۴۸/۱۳۲۸) در کابل در این مورد می‌پردازد. این نکته که در طول سی و هفت سال گذشته بیش از یکصد نشریه بیرون آمده و اهمیتی را که دائرةالمعارف آریانا (۱۹۴۸) دارا می‌باشد و نام یکصد دانشمند و اهل قلم افغانی که در نوشتن آن همت گماشته‌اند ذکر گردیده است. سپس مروری شده است بر مجلات ادبی که در نیل به این پیشرفت‌ها مؤثر واقع شده‌اند از جمله مجله‌های ادب و عرفان و... که از نظر زمینه‌کار و تاریخچه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بعد از این فهرستی از صاحبان قلم امروز در افغانستان در چهار گروه نویسندگان تاریخ، سیاست و فلسفه و «نویسندگان رومان، نمایشنامه و داستانهای کوتاه» و همچنین خالقین شاهکارهای بزرگ آورده شده است. از مطالعه این مقدمه که بیشتر در آن نشرهای غیرادبی معرفی شده است چنین برمی‌آید که رضوی می‌باید به ذکر داستان‌های کوتاه امروزی در افغانستان و مقایسه آنها با سبک‌های نثرنویسی امروزی ایران همت می‌گماشته است.

در اینجا لازم می‌دانیم که چند کلمه‌ای نیز در مورد نویسندگان معرفی شده در این کلیچین ادبی بیاوریم. علی رضوی داستانی از نویسنده بزرگ خلیل‌الله خلیلی ذکر می‌کند که محقق تاریخ ادبیات او را اول به‌عنوان یک شاعر و سپس به‌عنوان یک تاریخ‌نویس فرهنگ افغانی خواهد شناخت. از بین بیست و دو نویسنده دیگر هفت نفر از آنها در مجموعه پیمان معرفی شده بودند و یازده نفر دیگر نیز از ترجمه‌های به‌زبان روس و آلمانی شناخته شده می‌باشند. تعداد دیگری از نویسندگان نیز هستند که توانسته‌اند موقعیت قابل ملاحظه‌ای کسب نمایند. علی رضوی خود نسبت به معرفی چهارده نثرنویس اقدام می‌کند. برای مثال رشید لطیفی و دیگران که داستانهای آنها در دو مجموعه پیمان ذکر گردیده است از جمله آینه و همت یا بهجت. در حدود پانزده نام دیگر نیز توسط لطیف ناظمی در مقاله کوتاه وی داده شده است (صفحه ۱۴ تا ۲۱). این مقاله درباره زبان دری امروزی در کتاب (Moderne Evvähler der Welt) ذکر شده است: نویسندگان دیگری نیز توسط «خدای نظر» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این شخص در کتاب خود به زبان تاجیک بیست نفر دیگر را معرفی می‌کند. برای مثال غلام قوس خیبری، باباکوهی و یا میرامین‌الدین انصاری که اینطور که نقل نموده‌اند از اولین نویسندگان داستانهای کوتاه در زبان افغانی بوده است.

### حواشی

- ۱- نحوه تلفظ لغات در فارسی ایرانی از دری افغانی گه متفاوت می‌باشد. و از آنجا که این کتاب نیز در تهران بچاپ رسیده است ما در بررسی حاضر از ترجمه آن از فارسی ایرانی استفاده می‌کنیم. برای مثال qesse بجای qissa ذکر شده است.
- ۲- «جری‌بچکا»، نشر جوان دری در افغانستان. جورنال شماره ۵، افغانستان، ۱۹۷۸، صفحات

- ۱۰۲ تا ۱۰۴: نشر جدید افغان در زبان دری. عرفان، کابل، ۱۳۵۹، شماره ۴-۳، صفحات ۹۴-۱۱۲.
- ۳- Na prahu novè literatury (در آستانه ادبیات نو)، نوشته و. سوکاپ. تیوربا، کمن، ۱۹۸۲، شماره ۲۳، صفحه ۸.
- ۴- برای مثال، پیمان، داستانهایی از نویسندگان معاصر. نوشته محمد موسی همت، کابل ۱۳۴۲، ۲۱۲ صفحه، قصه‌ها و افسانه‌هایی از عبدالغفور برشنا، کابل ۱۳۵۲، ۱۰۵ صفحه، اسداله حبیب. سپید دندان، کابل ۱۳۴۴. ا. حبیب، سه مزدور، کابل ۱۹۶۹.
- ۵- Moskva, Zarguna, ۱۹۶۱، ۹۶ صفحه.
- Moskva. Neiyvestnyy bogatyr ۱۹۶۱، ۲۰۰ صفحه.
- Moskva, Sney idet ۱۹۶۴، ۸۸ صفحه.
- Moskva, zakol dovannygorod ۱۹۷۲، ۹۶ صفحه.
- ا. حبیب، آیدین. Moskva. ۱۹۷۴، ۲۰۰ صفحه.
- ۶- Horst Erdmann, Verlag, Moderne Evyehler der Welt. Tubingen und Basel ۱۹۷۷، ۲۹۰ صفحه.
- ۷- I. N. Kiseleva -- V.I. Mikolaycik, Dary russkiy slovar, Moskva 1978.
- ۸- دکتر خدای‌نظر (خدانظر آسویف)، نگارشی با نشر معاصر دری افغانستان، کابل، ۱۳۶۰، ۱۲۳ صفحه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی